پوشش نماد است

18 دي 1390

طبيعي‌دان‌ها با تكيه بر داده‌هاي باستان‌شناسي، سابقه شگفتي از جانداران روي كره زمين نقل مي‌كنند. تكامل‌ها و جهش‌هاي فراواني را ذكر كرده و تئوري تبدّل گونه‌هاي جانوري را رقم زده‌اند. پاره‌اي از اين جانداران، اجتماعات بزرگي را هم پديد آورده‌اند. كافيست كتاب‌هاي «زنبور عسل»، «مورچه‌ها» و «موريانه‌ها»ي موريس مترلينگ(1) را ورق بزنيد. پر است از پيچيدگي‌هايي كه در زندگي اجتماعي اين جانوارن ذكر مي‌كند. اما ما هيچ يك از اين اجتماعات را «تمدّن» نمي‌ناميم.

زندگي جانواران هر چقدر هم كه پيچيده باشد، تاريخ ندارد. قهرمان و اسطوره هم ندارد، حتي هدف و غايتي براي آينده. آرزوهاي دور از دسترس هم براي آن‌ها در كار نيست. تمام اين ساختارهاي اجتماعي شگفت‌انگيز به صورت غريزي از نسلي به نسل ديگر منتقل مي‌شود. زيرا حيوانات ابزار انتقال اطلاعات قدرتمندي ندارند. طبيعي‌دان‌ها مي‌گويند همين پيشرفت‌هاي اجتماعي حيواني، ميليون‌ها سال طول كشيده تا حاصل شود.

انسان ارتباط دارد. مي‌تواند داده‌ها و اطلاعات را از نسلي به نسل ديگر منتقل كند، گذشته را حفظ نمايد و تجاربي را براي توسعه اجتماعي خود بياندوزد. بنابراين پيشرفت سريع‌تري، بسيار سريع‌تري را مي‌تواند براي نوع خود رقم بزند. اما انسان چگونه ارتباط برقرار مي‌كند؟

ارتباط انسان در اولين گام خود با آواهاست، آواهايي كه حروف و سپس واژگان را شكل مي‌دهند و واژه‌ها بدل به جمله مي‌شوند و هر جمله مي‌تواند يك اطلاع را منتقل نمايد. اما ارتباط انسان به اين گام محدود نمي‌ماند. انسان توانسته است آواها را بر اشياء ترسيم نمايد؛ با خط بنويسد و با اشكال بكشد.

اشكال و خطوط چه هستند؟ نمودهايي از آن‌چه نگارنده در نظر داشته و قصد كرده بيان نمايد. نقاشي، شعر، موسيقي، آواز، خطاطي، تئاتر و فيلم، همه نمادهايي هستند كه انسان براي انتقال اطلاعات و بروز دانسته‌هاي خود ايجاد كرده و به كار مي‌گيرد.

اما دايره نمادها به اين محدوده كه به «هنر» معروف شده محدود نمي‌گردد. تمام اعمال و رفتار انسان‌ها نماد است. ما انسان‌ها از رفتار هم مي‌توانيم به قضاوت درباره يكديگر برسيم، انديشه‌هاي هم را بشناسيم و از آن‌چه در ذهن ديگران مي‌گذرد مطلع شويم. هر رفتاري كه صورت مي‌دهيم مي‌تواند ديگران را به دانسته‌اي درباره ما برساند. تمام رفتارهاي بشري «نماد» است.

دوستي پرسيد: «چه اشكالي دارد اگر رنگ روسري‌ام فلان باشد و كفشي كه به پا مي‌كنم، چكمه‌اي كه تا ساق بالا بيايد؟ مگر چيزي از پوششم مي‌كاهد؟ اگر حدّ شرعي را مراعات كنم، برّاق بودن چادرم چه ايرادي دارد؟»

تمام مقدمات بالا را براي پاسخ به او بيان كردم: پوشش‌ات قبول، با نمادها چه مي‌كني؟ اگر رنگي كه براي لباس خود برگزيده‌اي، يا جنس پارچه‌اي كه تهيه كرده‌اي، حتي شكل و شمايل كفشي كه بر پا داري، زبان داشته باشد و حرف بزند، چه خواهي كرد؟!

آري، لباس‌ها زبان دارند و حرف مي‌زنند، چون نماد هستند. حرف مي‌زنند و به ديگران مي‌گويند ما به چه مي‌انديشيم و به چه كارهايي تمايل داريم. اگر نمي‌خواهي خودروهاي متفرقه در خيابان جلوي پايت ترمز كنند، مراقب باش پوششي كه انتخاب مي‌كني دروغ نگويد و حرفي را كه دوست نداري نزند!

----------------------------------------

1. http://dreamcast.blogfa.com/post-116.aspx